



مادر جهادگر کارآفرین و بهترین پرستار دنیا

اقتصاد مقاومتی یعنی انسان‌هایی که می‌توانند در سخت‌ترین شرایط و با کمترین امکانات بهترین تصمیمات را بگیرند و وارد بازار کار و تولید شوند، اما همه چیز به همین یک جمله ختم نمی‌شود و بعضاً افرادی وجود دارند که حتی تصور قرار گرفتن در جایگاه آنها هم لرز به بر اندام می‌اندازد. مثل خانم مریم مهاجر شجاعی که بعد از ابتلای مادرش به بیماری سرطان تلاش کرد راهی برای تأمین هزینه‌های درمان او بیابد و در همین زمان پسرش هم دچار عارضه‌ای شد که درد مادر در مقابلش هیچ بود. با این شرایط حالا کارگاهی را مدیریت می‌کند که در کنار خودش هشت خانواده دیگر هم از آن امرار معاش می‌کنند و مدیریت صندوق قرض‌الحسنه‌ای را بر عهده دارد که می‌تواند کمک حال بسیاری از همشهریانش باشد.

همه چیز از ابتلای مادر به سرطان شروع شد. از سال‌ها قبل که مریم مهاجر شجاعی برای تأمین هزینه‌های سرطان مادرش یک کارگاه خانگی با هدف تهیه، فرآوری و فروش سبزیجات خانگی را راه‌اندازی کرد. او تا پیش از این اتفاق کار نمی‌کرد و یک زن خانه‌دار محسوب می‌شد. دست روزگار این زن جهادگر را وارد عرصه اشتغال کرده و حالا در شاهین شهر اصفهان «سبزی‌فروشی مادر» به ارائه محصولات باکیفیت، ارزان و معتبر معروف است.

این سرزمین، زنان مجاهد و ایثارگر کم ندیده و از همان دوران انقلاب و دفاع مقدس تا حالا شیرزنانی پای بر خاک ایران گذاشته‌اند که نامشان عظمت و افتخاری برای مملکت است. اما حالا برای آشنایی با یکی از این زنان قهرمان

باید به حدود یک دهه قبل برگردیم، یعنی سال ۱۳۹۰ که خانم شجاعی کار فروش و خرید سبزی را شروع کرد. خودش می‌گوید، این کار به پیشنهاد کوچک‌ترین پسرش محمد بوده است؛ درست در آن روزهایی که مادرش به سرطان مبتلا شده بود و منبع درآمدی برای تأمین هزینه‌های درمان نداشتند. اوایل سفارشات حداکثر پنج کیلوگرم بود اما به مرور افزایش یافت و به چندصد کیلو رسید تا جایی که برای پاک کردن و خرید کردن سبزی، هشت کارگر ثابت استخدام کردند و همه اینها از دعای خیر مادر بود.

این جهادگر کارآفرین می‌گوید: «با برکتی که خدا به کارمان داد، تقریباً همه هزینه‌های درمان سرطان مادر را از همین محل تأمین کردیم. کارهایمان مان نیز همگی از خانم‌هایی هستند که با مشکلات معیشتی سختی روبه‌رو دریافت می‌کنند، کمک بزرگی برای امرار معاش و تأمین مایحتاج و انجام امور زندگی است.»

کارگر کم‌فروشی نکرده‌ام پایانی برای داستان امتحانات الهی نمی‌توان تصور شد، به خصوص برای خانم شجاعی که سرطان مادر، تنها چالش زندگی‌اش نبود. دو سال بعد از اینکه تلخ‌رنگ روی روال افتاده و همه چیز به خوبی پیش می‌رفت، ناگهان بهنام، فرزند ارشد خانم شجاعی در یک حادثه، دچار ضایعه مغزی شدیدی می‌شود و سطح هوشیاری‌اش به کمتر از ۱۰ درصد می‌رسد. خودش در این باره می‌گوید: «بهنام نسبی

که قرار بود فردایش برای ثبت‌نام در مقطع کارشناسی ارشد معماری به دانشگاه برود، دچار گازگرفتگی و در نتیجه ضایعه مغزی شد. تلاش پزشکان بی‌نتیجه بود و او به کما رفت. تیم درمان گفتند دیگر کاری از آنها ساخته نیست و از بهنام باید در خانه نگهداری شود.» وی ادامه می‌دهد: «با اتفاقی که برای پسرم افتاد، خودم را به طور کامل باختم، کارگاه تعطیل شد. حدود پنج ماه متوجه چیزی نمی‌شدم، کاملاً از خود بیخود بودم. در آن زمان متوجه شدم شوهرم دچار عمیاد «تیرئوئید پرکار» شده، پسر دوم دچار بیماری فشار خون عصبی شده و پسر کوچک‌ترم شدیداً افسردگی گرفته است. از طرفی هزینه درمان بهنام هم بسیار زیاد بود، نسخه‌های گاهی تا ۳۰ میلیون تومان هزینه برای‌مان داشت.» این کارآفرین حوزه اقتصاد مقاومتی می‌گوید: «فکر کردم اگر همینطور خودم را بزم، کل خانواده از بین می‌رود. تصمیم گرفتم بایستم، کار کنم و به زندگی برگردم. در نتیجه دوباره

وی ادامه می‌دهد: «از محل فروش منزل و نیز درآمد حاصل از سبزی‌فروشی، بهترین داروها و امکانات را برای بهنام فراهم کردیم. هر چه لازم بود برای پسرم می‌گرفتم. گران‌ترین و بهترینش را می‌خریدیم. هرگز راضی نشدم برای بهنام پرستار بگیریم. اگر این کار را می‌کردم دیگر نمی‌توانستم برایش مادی کنم. اگر من خوشحال باشم، بهنام هم خوشحال است و اگر غمگینم، بهنام غمگین می‌شود. من همه این مشکلات را تحمل می‌کنم، به امید اینکه یک بار دیگر پسرم را دوباره سرپا ببینم و صدایش را بشنوم. بهنام چند سال است که روی تخت افتاده. پزشکان می‌گویند تنها گذشت زمان می‌تواند به بهبودی او کمک کند و هنوز جای امیدواری هست.» خانم شجاعی هر روز کارش را از ساعت ۳ بعدازظهر شروع می‌کند. مهم‌ترین نیازش در حال حاضر دریافت وام با بهره مناسب جهت تهیه دستگاه صنایع تبدیلی و نیز کارگاهی مناسب‌تر اعلام می‌کند.



کارگاه سبزی‌فروشی خانگی را احیا کرد. از آنجا که خوب کار کرده بودم، همه مشتری‌ها همچنان به یادم بودند و به محض اینکه خبردار شدند، دوباره فعالیت می‌کنیم، سیل سفارشات از راه رسید. شاید راز موفقیت و برکت پول‌ها این بود که من هیچ وقت راضی نمی‌شدم سبزی خیس به مردم بفروشم. این کار عین کم‌فروشی بود. اگر سبزی بلافاصله پس از خارج شدن از آب به فروش برسد، نمیمی از وزن آن آب تشکیل می‌دهد. من هیچ وقت راضی به این مسئله نشدم با اینکه مشتری‌ها هرگز متوجه نمی‌شدند اما برای همه مشتری‌ها شرط گذاشته بودم که حداقل دو روز زودتر باید سفارش دهند تا سبزی‌ها خشک شود. اگر هزار کیلو سبزی به کسی می‌فروختم، حتی یک گرم هم آب نداشت.»

وی علاوه بر اشتغال‌زایی برای هشت نفر، یک صندوق قرض‌الحسنه نیز راه‌اندازی کرده است که افراد زیادی در آن عضو هستند و می‌توانند با کمک هم بر مشکلاتشان فائق آیند.

این خانم جهادگر که امروز به الگوی بسیاری از زنان تبدیل شده در مورد اینکه چطور به قدرت مقاومت در برابر مشکلات دست یافته است، می‌گوید: «دوست دارم آنقدر کار کنم تا خودم را فدای شوهر و فرزندانم کنم. کار، انسان را می‌سازد. طبیعتاً هر کس شب بخوابد و صبح بیدار شود و ببیند جوان ۲۵ساله‌اش به کما رفته، با شوک و وحشتناکی روبه‌رو می‌شود. این اتفاق ممکن است برای هر کسی رخ دهد اما خدا کمک کرد و دوباره ایستادم.»



گفت‌وگوی «جوان» با مسئول صندوق قرض‌الحسنه «ترنم»

صندوقی که در کنار وام مهارت آموزی و اشتغال‌زایی می‌کند

گناوه یکی از شهرستان‌های استان بوشهر است. اهالی این منطقه بیشتر به کار کشاورزی مشغولند و صید و صیادی هم از دیگر مشاغل به شمار می‌آید. با این حال زندگی در حد متوسط اهالی، همگام با تورم رشد کرده و در سال‌های اخیر مشکلات اقتصادی در این شهرستان بیشتر خود را نشان داده است. اما امروز صندوق قرض‌الحسنه‌ای در این شهر مشغول فعالیت است که در میانه دهه ۸۰ و برای حل مشکلات مالی یک فامیل راه‌اندازی شد. چون این صندوق کوچک بود هر یک از اعضا تصمیم گرفتند بخشی از درآمدها را به وام بدهند و هر ماه بعد از قرعه‌کشی وام در اختیار یکی از نفرات خانواده قرار بگیرد. هر چند رقم وام هم زیاد نبود اما می‌توانست گوشه‌ای از مشکلات را برطرف کند. در سال ۹۷ به یک‌باره تصمیم گرفته شد صندوق قرض‌الحسنه «ترنم» توسعه یابد. به گفته خانم داوودی، مسئول این صندوق قرض‌الحسنه، عضوگیری جدید و حمایت‌های بسیج منابع مالی را افزایش داد و اتفاقات خوبی رقم خورد. ویژگی بارز صندوق «ترنم» این است که تعداد زیادی از اعضای آن تحصیلکرده هستند و به همین خاطر در کنار اعطای وام، آموزش مهارت‌های مختلف و اشتغال‌زایی نیز در دستور کار است.

صندوق با چه نیتی راه‌اندازی شده بود؟ این صندوق در وهله نخست فقط برای خانواده خودمان تشکیل شد، به طوری که اصلاً از بیرون خانواده عضو قبول نمی‌کردیم، اما وقتی توانستیم مدیریت صندوق را به درستی انجام دهیم و مشکلی در طول ۱۲ سال ایجاد نشد، تصمیم گرفتیم آن را توسعه دهیم، به طوری که این صندوق خانواده‌ای به یک بهره‌بردار تبدیل شد. به یک صندوق قرض‌الحسنه محلی شد.

با این تغییر چه اتفاقی رخ داد؟ با افزایش منابع مالی صندوق و تعداد اعضا میزان وام پرداختی به متقاضیان نیز افزایش یافت، به طوری که اکنون صندوق ترنم که در سال‌های اخیر نیز به عنوان صندوق برتر شهرستان معرفی شده است نزدیک ۱۰۰ عضو دارد. توانمندی به جایی رسیده است که تا چند میلیون تومان وام را بدون ضامن به اعضا پرداخت می‌کند.

مهم‌ترین مشکل ساکنان این منطقه چیست؟ اگر قرار باشد به مشکلات اهالی شهرستان گناوه اشاره کنیم، باید بگوییم موضوع اشتغال اولین و مهم‌ترین مورد است. خوشبختانه اعضای این صندوق از تحصیلکردگان شهرستان هستند، به همین دلیل سعی کردیم در کنار اعطای وام موضوع اشتغال‌زایی را نیز در دستور کار خود قرار دهیم.

می‌گویید اعضای صندوق افرادی تحصیلکرده هستند، یعنی چه نیتی نسبت به صندوق‌های دیگر دارید؟ زمانی که دوستان باسواد و دانشگاهی عضو صندوق شدند، همه اعضا تصمیم گرفتند مهارت‌هایی را که بلد هستند به دیگران نیز آموزش دهند، به همین دلیل پیش از شروع بیماری کرونا اقدام به آموزش حصریابی و فرش‌بافی کردیم و در کنارش،



گفت‌وگو

تولید محصولات محلی با امکانات بومی

گزارش تصویری



تولید محصولات محلی با امکانات بومی